

هو الحکیر الخلیف

## خردنامه صدر

فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه اسلامی

سال ۲۲، شماره ۴؛ پیاپی ۸۸

تابستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: بنیاد حکمت اسلامی صدرا

مدیر مسئول و سردبیر: آیت الله سید محمد خامنه ای

### هیئت تحریریه

آیت الله سید محمد خامنه ای..... رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر احمد احمدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا اعوانی..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر رضا داوری اردکانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر کریم مجتهدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر سید مصطفی محقق داماد..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مقصود محمدی..... دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، کرج

ویراستار..... دکتر مقصود محمدی

مدیر اجرایی..... مهدی سلطانی گازار

مترجم انگلیسی..... دکتر رؤیا خوئی

ویراستار انگلیسی..... دکتر علی نقی باقرشاهی

شاپا: ۰۸۷۴ - ۱۵۶۰

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلی، مجتمع

امام خمینی (ره)، ساختمان ۱۲، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹

دورنگار: ۸۸۴۹۳۸۰۳

تلفن: (مقالات) ۸۸۱۵۳۲۲۱

(اشتراک و فروش) ۸۸۱۵۳۵۹۴

پست الکترونیک: siprin@mullasadra.org

پایگاه اینترنتی: www.kherad.mullasadra.org



### فهرست مطالب

- سرمقاله..... ۳  
بررسی تفسیر سهروردی و ملاصدرا از نسبت وجودشناختی  
ماهیت وجود در فلسفه ابن سینا..... ۵  
دکتر محمد انظام  
تأملی در عرفان فلسفی قنوی..... ۱۹  
دکتر غلامرضا حسین پور  
شواهدی بر اصالت وجود در تفکر ابن سینا از منظر حکمت  
متعالیه..... ۳۱  
دکتر مصطفی مؤمنی  
حکمت؛ گمشده انسان معاصر..... ۴۷  
دکتر طوبی کرمانی، دکتر حبیب کارکن  
انگاره ملاصدرا از فلسفه..... ۶۱  
دکتر منصوره رحمانی، دکتر احد فرامرز قراملکی،  
دکتر قاسم کاکایی  
مبانی انسانشناسی از منظر صدر المتألهین شیرازی..... ۷۵  
علیرضا جوانمردی ادیب، دکتر نفیسه فیاض بخش  
بررسی قاعده امکان اشرف و نسبت آن با  
اصالت وجود..... ۸۵  
دکتر حسن سعیدی، امیر اوسطی  
خلاصه سخنرانیهای برگزیده بیست و یکمین همایش  
بزرگداشت حکیم صدر المتألهین شیرازی (ملاصدرا)..... ۹۹

۱. بنابر تأییدیه شماره ۳/۱۳۷۰۸۵ مورخه ۹۱/۰۷/۰۲ از  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خردنامه صدرا دارای  
درجه علمی - پژوهشی است.  
۲. خردنامه صدرا در پایگاههای زیر نمایه میشود:  
- پایگاه مجلات تخصصی فلسفه جهان؛

### Philosopher's Index

- پایگاه استنادی علوم اسلامی؛ ISC

- پایگاه مجلات تخصصی نور؛ Noormags

- بانک اطلاعات نشریات کشور؛ Magiran

## راهنمای تدوین مقاله

- خردنامه صدرا بطور تخصصی فقط مقالاتی را که مربوط به حوزه فلسفه و علوم عقلی، مستدل و مستند به منابع معتبر باشد، برای چاپ میپذیرد.
- مقالات ارسالی باید مبتنی بر تحقیق و حاوی نکته‌ی بدیع و ابتکاری باشد، از نظم و انسجام منطقی لازم برخوردار باشد و اصول نگارش و اصالت زبان فارسی در آن بدقت رعایت شود.
- مقالات باید دارای چکیده (حدود ده سطر) و کلیدواژگان (حداکثر ده واژه) بوده و چکیده و کلیدواژگان انگلیسی نیز به آن ضمیمه شده باشد.
- لطفاً در ابتدای مقاله، عنوان مقاله، نام نویسنده، رتبه علمی و محل فعالیت (هرکدام بدو زبان فارسی و انگلیسی) و نیز نشانی بصورت دقیق در برگه‌ی جداگانه ذکر گردد.
- چنانچه مقاله برگرفته از پایان‌نامه یا طرح پژوهشی باشد یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- مقالات به رایانامه (ایمیل) مجله ارسال گردد. حتماً مرقوم شود «مربوط به خردنامه صدرا».
- رعایت اصول نشانه‌گذاری و ذکر نامهای غیرفارسی بزبان اصلی و نیز برجسته کردن نقل قولها ضروری است.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در جایی بچاپ رسیده باشد و ارسال آن نیز برای خردنامه صدرا تعهدی نسبت به چاپ ایجاد نمیکند اما خردنامه از حق تجدید چاپ و نیز نشر مقالاتی که پس از داوری دقیق و تأیید هیئت تحریریه بچاپ برسد، بصورت‌های رایج دیگر بزبان فارسی و دیگر زبانها برخوردار خواهد بود.
- مقالات ارسال شده بهیچ وجه مسترد نخواهد شد.
- خردنامه صدرا در ویرایش مطالب با حفظ محتوا و مفاد آزاد است.
- مسئولیت محتوا و مضمون مقالات بعهده مؤلف است و چاپ آن در این فصلنامه تنها برای عرضه و تلاقی افکار است و دلیل بر تأیید آن نیست.
- ارجاع به آثار ملاصدرا باید منطبق بر چاپ بنیاد حکمت اسلامی صدرا باشد.

## شیوه ارجاعات

- ارجاعات در خردنامه صدرا بصورت پاورقی است؛ با ذکر نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد، شماره صفحه.
- در مواردی که بلافاصله به منبع قبلی ارجاع داده شود از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد از واژه همانجا استفاده شود.
  - در مورد مجلات و مجموعه مقالات عنوان مقاله ذکر گردد.
  - در ارجاع به منابع غیرفارسی، عنوان اصلی کتاب ذکر شود. بجای واژه‌های همان و همانجانب نیز بترتیب از علامتهای *ibid* و *idem* (بصورت ایتالیک) استفاده شود.
  - در فهرست منابع، مشخصات کامل کتاب‌شناسی هر منبع بصورت زیر فهرست گردد:  
— کتابها: نام خانوادگی مولف، نام مولف. عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، مترجم، محل نشر، ناشر، سال نشر.  
مثال: مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.  
— مجلات: نام خانوادگی مولف، نام مولف. «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، نام مجله (بصورت سیاه و ایتالیک) سال، شماره مجله، سال نشر.  
مثال: اعوانی، غلامرضا. «چرا ملاصدرا را صدرالمتألهین نامیده‌اند؟»، خردنامه صدرا، ۲، ۱۱، ۱۳۸۴.  
— مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام مولف، «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، گردآورنده یا ویراستار، محل نشر، ناشر، سال نشر.  
مثال: ابراهیمی دینانی، غلامحسین، «جایگاه ملاصدرا در فرهنگ علوم عقلی»، مکتب ملاصدرا و فلسفه‌های غربی، زیر نظر سیدمحمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۵.  
— در مورد منابع غیر فارسی نیز بهمین شیوه عمل شود.



انقلاب اسلامی ایران پس از برپایی و تثبیت قانونی و رأی نزدیک به اجماع ملی ملت به آن، اهداف و شعارهایی داشت که در یک کلمه، «در برپایی یک نظام اسلامی و حکومتی برابر قرآن و سنت پیامبر (ص)» خلاصه میشد، و ملت ایران به کمتر از آن قانع نبود. مهمترین این اهداف خرد و کلان، اسلامی شدن، یعنی پیاده شدن قانون و فرهنگ و روح اسلامی و در کنار آن، رفاه و امنیت و آزادی مردم و رعایت عدالت اجتماعی و کرامت انسانی بود.

متأسفانه دشمنان آگاه و با تجربه این انقلاب، با نفوذ در دستگاه حاکمیت و بهره از خائنین برخاسته از نسل همراهان انقلاب، تلاش مؤثری در دست نیافتن انقلاب به اهداف تدوین شده آن در قانون اساسی داشت و روز بروز این نظام را از اهداف آن دور نمود و حتی برخی سیاستگذارهای رسمی را هم با توطئه خود مشوب و منحرف ساخت. از جمله آفات این متنفذین در حاکمیت در طول نزدیک به چهار دهه، توسعه فساد مالی در دستگاهها، فساد اخلاقی در جامعه و بویژه در نسل جوان و انحراف عفاف دختران جوان و دهها فساد

دیگر - که عمده آنها دور شدن از عدالت و احکام و اخلاق اسلامی است - میباشد، بگونه‌یی که آنچه آنروز اهداف یک ملت بود، امروز به آرزوی آنان تغییر یافته است.

دست هدایتگر نظام که همواره در پی اصلاح امور بوده و هست، یآوری در کنار خود میخواست که بدور از عملکرد خرد یا کلان دستگاہهای رسمی، بتواند هم سیاستگذاری در سطح اعلی باشد و هم ناظر و تحلیلیگری بدنبال مصلحت واقعی نظام و این تا به امروز قابل تحقق نبود، چون نه اراده ارباب مسئولیت و نه اداره آن، با مصلحت نظام مناسبتی نداشت. از اینرو کاری شایسته در اجرای وظایف سیاستگذاری یا عملی سازی اهداف مقام رهبری و یاوریهای دیگر سیاسی و فکری و نظارتی انجام نمیشد.

احیاء مجمع تشخیص مصلحت و انتصاب رئیس جدید محترم آن و احکام و توصیه‌هایی که در آستانه آن از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ شد، میتواند چاره‌ساز بازگشت کشور به اهداف و شعارهای آغاز انقلاب باشد، و بایستی در درجه اول برای رفع آلام فرهنگی و استواری رکن فرهنگ و حکمت و اخلاق اجتماعی - که مهمترین ارکان جامعه اسلامی ایران و در حکم رأس در برابر بدن است - کاری بکند و آنرا از زیر غبار فراموشی و قرار داده شدن در رتبه پائینتر ارکان دیگر مادی و شبه مادی نظام بیرون بیاورد و این ام‌المصالح جامعه را در جایگاه اصلی و کرسی واقعی خودش بنشانند؛ این مخروط وارونه را در وضع لایق آن قرار دهد؛ هم خود، سیاستگذار باشد و هم مراقب سیاستهای دشمنان، تا در آینده و در محضر تاریخ و برابر چشمان منتظر خرده‌بینان محکوم به قصور نگردد.

# بررسی تفسیر سهروردی و ملاصدرا از نسبت وجودشناختی ماهیت و وجود در فلسفه ابن سینا

سید محمد انتظام، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه مفید\*

## چکیده

پیشفرضهای نظریه ابن سینا، به بیان دو تفسیر یاد شده و بررسی آنها پرداخته ایم.

ترکیب ممکن الوجود از دوگانه ماهیت و وجود - از زمان فارابی تا کنون - مهمترین تفاوت آن با واجب الوجود شمرده شده است. وجود نه عین ذات ممکن است، نه جزء ذات و نه معلول ذات آن. از اینرو، ممکن الوجود، مرکب است از ذات و وجودی که عارض بر آنست. نخستین تصویر از ترکیب وجود و ماهیت را فارابی بنا نهاد؛ تصویری که تمایز روشنی بین ذهن و خارج در آن دیده نمیشود. ابن سینا نیز هرچند بظاهر همان تصویر را بسط و توسعه داده است، اما نشانه‌هایی از خود بجای گذاشت که میتوانند زمینه عبور از عروض خارجی به عروض تحلیلی باشند. مفسران ابن سینا از رابطه وجودشناختی وجود و ماهیت از نگاه او، تفسیرهای متفاوتی ارائه کردند که شاخصترین آنها دو تفسیر است که سهروردی و ملاصدرا از آنها حمایت میکنند. در تفسیر مورد حمایت سهروردی، نسبت وجود به ماهیت همانند نسبت دیگر اعراض به موضوعاتشان تلقی شده است و در تفسیر ملاصدرا، بر تفاوت اساسی وجود با اعراض دیگر تأکید شده است. در این تفسیر، نسبت وجود به ماهیت از «ثبوت شیء لشیء» به «ثبوت الشیء» ارتقا یافته و راه بر اشکالات سهروردی بر ابن سینا بسته شده است. در این مقاله، پس از بیان و اثبات

## کلیدواژگان

وجود ماهیت عرض  
موضوع رابطه وجود شناختی ثبوت الشیء  
ثبوت شیء لشیء

## مقدمه

تقسیم موجود به واجب الوجود و ممکن الوجود، یکی از مهمترین ویژگیهای متافیزیک فیلسوفان مسلمان بشمار میرود. این تقسیم، پرسش از تفاوت ذاتی ممکن و واجب را بمیان می آورد و در پاسخ آن گفته میشود که در واجب الوجود، وجود عین ذات اوست و در ممکن الوجود، وجود زائد بر ذات اوست. این پاسخ که از تمایز ذات و وجود ممکن الوجود حکایت دارد، همان پاسخی است که فارابی (عمدتاً در آثاری که انتسابش به وی محل بحث است، و از جمله مهمترین آنها، یعنی فصوص الحکم) به پرسش فوق داده است و تاکنون نیز از سوی فیلسوفان دیگر تلقی

\*.Email:Entezammohammad66@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۶/۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۴

# تأملی در

## عرفان فلسفی قونوی\*

\*\* غلامرضا حسین پور

دکترای عرفان اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

### چکیده

مفتاح الغیب صدرالدین قونوی، بعنوان اولین اثر در علم عرفان نظری، مبانی عرفان نظری یا فلسفی را بنیان نهاد زیرا ابن عربی که به پدر عرفان نظری اسلامی مشهور است، فرصت این مهم را نیافت و لذا قونوی بود که مبادرت به این امر ورزید. قونوی در کنار حکمت مشاء و حکمت اشراق، مکتبی را پایه‌گذاری کرد که میتوان آن را عرفان فلسفی خواند. وی با تمام بدبینیش به عقل نظری، اذعان میکند که کشف و ذوق با عقل نظری در همهٔ مراحل موافق است زیرا تناقضی در حجت عقل نظری نمیبیند اما ادراک این حجت را از تصور بشری محجوب میدانند. تلاش قونوی آنست تا میان قواعد کشفی عرفا و نظریات حکما، انسی حاصل کند. او در بسیاری از مواضع خود، از اشارات ابن سینا و بویژه شرح خواجه نصیرالدین طوسی بر آن بهره میبرد، بگونه‌یی که میتوان زبان فلسفی مورد استفادهٔ قونوی را حکمت مشاء، خصوصاً اشارات ابن سینا قلمداد کرد که در فلسفی کردن عرفان قونوی، سهم بسزایی دارد.

### مقدمه

کتاب مفتاح غیب الجمع و الوجود معروف به «مفتاح الغیب»، نخستین و مهمترین اثری است که در علم عرفان نظری و بقلم صدرالدین محمد قونوی (۶۷۳ - ۶۰۷) نگاشته شده و به این ترتیب، فصل تازه‌یی از مبانی عرفان نظری یا عرفان فلسفی گشوده شد. ابن عربی که گشایندهٔ این باب بود، فرصت تدوین، تنظیم و جمع نظریاتش را پیدا نکرد و این قونوی بود که بعنوان شاگرد مستقیم و فرزندخواندهٔ ابن عربی، فرصت این مهم را یافت و مفتاح الغیب از این جهت، اولین و جامعترین کتابی است که بقلم او نوشته شد. ابن عربی، اولین کسی بود که عرفان را بصورت یک فلسفه و بینش دربارهٔ هستی مطرح کرد و در واقع، بصورت یک علم درآورد و در مقابل فلاسفه عرضه داشت و از طرفی بر فلسفه هم اثر گذاشت، و لذا فلاسفه‌یی که بعد از او آمدند، چاره‌یی نداشتند جز اینکه به نظریات او توجه داشته باشند. اما وی بعنوان

\* این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری نگارنده با عنوان «قرائت صدرایی امام خمینی (س) از عرفان فلسفی قونوی با تکیه بر تعلیقات امام خمینی (س) بر مفتاح الغیب و مصباح الانس» است.  
Email: Reza\_hossein\_pour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۲۹  
۱. مطهری، عرفان حافظ، ص ۱۴.

### کلیدواژگان

عرفان فلسفی عقل نظری حکمت مشاء  
قونوی فناری

# شواهدی بر اصالت وجود

## در تفکر ابن سینا از منظر حکمت متعالیه

مصطفی مؤمنی\*، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور

### چکیده

اصالت وجود، مبنای حکمت متعالیه است و ملاصدرا این اصل را با ادله محکم به اثبات رسانده و سایر اصول فلسفه اش را بر آن بنا کرده است. هر چند این مسئله در زمان ابن سینا مطرح نبوده ولی این سؤال قابل طرح است که آیا میتوان آنرا در عبارات شیخ الرئیس ردیابی نمود؟ آیا میتوان شواهدی قوی بر اثبات این اصل در تفکر سینوی یافت، بنحوی که مجالی برای قرائت اصالت ماهیتی از تفکر وی وجود نداشته باشد؟ هدف این تحقیق، ارائه شواهدی محکم بر اصالت وجودی بودن تفکر سینوی بوده و قصد دارد که با مراجعه به عبارات ملاصدرا و ابن سینا این مطلب را تقویت نماید. ملاصدرا در تأیید اصالت وجود مورد نظر خویش، به عبارات شیخ الرئیس استناد میجوید. بسیاری از آراء ابن سینا مستلزم اصالت وجود است. علاوه بر این، نصوصی نیز بر این مطلب در بیانات او وجود دارد. شواهد مذکور به فراخور و مجال این تحقیق، ارائه و مدعا تبیین خواهد شد.

### کلیدواژگان

اصالت وجود  
امکان ففقری  
ابن سینا  
جعل وجود  
ماهیت  
ملاصدرا

### ۱. مقدمه و طرح مسئله

مسئله اصالت وجود یا ماهیت بصورت دورانی، اولین بار توسط میرداماد (۱۰۴۱ق) مطرح شده است و قبل از او بنحو قضیه حقیقیه، مورد توجه نبوده است. در کلمات فیلسوفانی مانند بوعلی، بهمنیار و خواجه نصیرالدین طوسی، سخن از اینکه «وجود» حتی در ممکنات امری حقیقی و واقعی است، مطرح شده است ولی نه بشکل دورانی، لذا چندان توجهی به آثار و لوازم اصالت وجود و اعتباریت ماهیت نداشته‌اند. بدین دلیل، در عین اینکه از برخی عبارات آنان اصالت وجود آشکار است، از برخی دیگر از عباراتشان اصالت ماهیت برداشت میشود.

اینکه چون فلسفه اسلامی در زمان ابن سینا و فارابی مراحل ابتدایی خود را طی مینموده و بیشتر تلاشهای این دو شخصیت، مصروف وضع اصطلاحات فلسفی و تلاش در جهت استقرار معانی آنها در لسان فلسفه اسلامی و نوشتن کتب حدود و رسوم بوده است و از اینرو بحثهایی چون اصالت وجود یا ماهیت نمیتوانسته مطرح بوده باشد، چندان

\*.Email: esfad2003@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۶/۱/۲۷

۱. حکمت، متافیزیک ابن سینا، ص ۲۹۳.

# حکمت؛

## گمشده انسان معاصر

طوبی کرمانی\*، استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

حبیب کارکن\*\*، دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

### چکیده

گرچه واژه‌های «فلسفه» و «حکمت» در اصطلاح، معمولاً بصورت مترادف بکار می‌روند ولی در این مقاله اعتقاد بر این است که در سنت فلسفه اسلامی، حکمت، معنایی برتر از فلسفه دارد. با نظر به تعریف حکمت به اموری همچون معرفت الله، تشبیه به اله و استکمال نفس انسانی، بدست می‌آید که حکمت با اخلاق حکیم ارتباطی وثیق دارد و ملازم با ایمان و عمل اوست. حکیم برخلاف فیلسوف – بمعنای رایج کلمه – بر آن است تا جهانی عقلانی شود بنشسته در گوشه‌یی، و این امری است که زندگی حکمای مسلمان نیز گواه آن است. بدیهی است که در دنیای معاصر که اغلب فلسفه‌های آن بر شکاکیت و نسبییت گرایي تأکید می‌ورزند، نمیتوان از حکمت سخن راند ولی میتوان از فلسفه‌های گوناگون سخن بمیان آورد. فلسفه‌های متأخر بیش از آنکه انسان را به یقین برسانند، او را از آن دور ساخته و در میان انبوهی از تردیدها رها می‌سازند. از اینرو، حکمت، گمشده انسان است که در جستجوی یقین است.

### مقدمه

انسان عصر جدید پس از آنکه از معنویت جدا شد و آن را به کلیسا و اهل آن وا گذاشت، دچار بحرانهای متعددی شد که امروزه آنها را بعینه مشاهده مینماییم و هر روز شاهد افزونی آنها هستیم. عقلی که در دوران مدرن توسعه یافت و وعده‌رهایی به بشر داد، عقل جدای از وحی بود اما پس از گذشت مدتهای مدید نه تنها این وعده محقق نشد بلکه برعکس، مشکلات عدیده‌یی برای بشر بوجود آورد که او را بیش از پیش در بند نمود. از همین روست که بدنبال مدرنیسم، پست مدرنیسم سر برآورد که درصدد رفع اشکالات آن بوده و اگرچه به یک معنا ادامه همان سنت مدرن است اما خود، سنتی جدید است که میخواهد انسان را از دام مدرنیسم برهاند. پیام‌آوران این دو سنت هر یک برای خود، ساز جداگانه‌یی می‌زنند و هرکس بسته به مذاق خویش در پی یکی از آنان میافتد؛ برخلاف پیامبران الهی که همه یک صدا بودند و سخن واحدی داشتند. راز تعدد و تکثر مکاتب گوناگون فکری غرب نیز در همین انسان محوری و عقلگرایی افراطی است

(نویسنده مسئول) \*Email:kermani@ut.ac.ir

\*\*Email:habib.karkon@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۳

### کلیدواژگان

فلسفه

نسبییت گرایي

حکمت

حقیقت



# انگاره ملاصدرا از فلسفه\*

منصوره رحمانی،<sup>\*\*</sup> دکترای فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران  
احد فرامرز قراملکی،<sup>\*\*\*</sup> استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران  
قاسم کاکایی،<sup>\*\*\*\*</sup> استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز

## چکیده

در نگاه برخی فلاسفه، فلسفه به سلوک ذهنی و تبادلات مفهومی تقلیل می‌یابد. در مقابل، برخی دیگر از فلاسفه با تکیه بر جنبه‌های عملی، فلسفه را سلوک وجودی میدانند. از نظر ملاصدرا، فلسفه فرایند استکمال نفس انسانی است. استکمال نفس، نه از گونه‌ی رشد کمی یا کیفی بلکه بمعنای استکمال ذاتی، اشتداد و سلوک وجودی. او غایت فلسفه را تشبیه به اله میدانند و این تشبیه با دو مشخصه‌ی احاطه به معلومات و تجرد از جسمانیات محقق می‌گردد. سلوک انگاری فلسفه، پیامدهایی همچون کثرت‌گرایی فلسفه‌ورزی، فلسفه‌ورزی بیکرانه، تناظر ارتقاء معرفتی با ارتقاء وجودی، کثرت‌گرایی روش‌شناختی و همبستگی تهذیب نفس و فلسفه را بدنبال دارد. ملاصدرا با تکیه بر سلوک انگاری فلسفه، میکوشد حکمت متعالیه را بر اساس الگوی سفرهای چهارگانه سامان دهد.

## واژگان کلیدی

سلوک وجودی  
استکمال نفس  
سفرهای چهارگانه عرفانی  
فلسفه  
تشبیه به اله  
ملاصدرا

## ۱. بیان مسئله

در هر فعالیت، انگاره‌ی فرد از آن فعالیت، نقشی اساسی و بنیادی دارد. انتخاب روش، نحوه‌ی شکلگیری فعالیت و ارتباطی که فرد با آن فعالیت برقرار می‌سازد، تحت تأثیر انگاره‌ی اوست. فعالیت فلسفی - اعم از فلسفه‌ورزی، پژوهش‌های نظام‌مند فلسفه، فلسفه‌آموزی یا فلسفه خوانی و تدریس فلسفه<sup>۱</sup> - ارتباط وثیقی با انگاره‌ی فرد از فلسفه دارد.

بی‌برآدو<sup>۲</sup>، افلاطون شناس معاصر معتقد است، نباید پنداشت فلسفه در عهد باستان به همین معنایی است که ما امروزه از فلسفه میدانیم بلکه در این دوره، فلسفه‌ورزی عبارت است از انتخاب یک مکتب فلسفی، پیروی کردن از شیوه‌ی زندگی آن و پذیرفتن اصول آن<sup>۳</sup>. در این انگاره از فلسفه، وظیفه‌ی فیلسوف در درجه‌ی اول این نیست که دانشی دایرة‌المعارفی، در قالب نظامی

\* این مقاله، برگرفته از رساله‌ی دکتری است.

(نویسنده‌ی مسئول) Email: ma.rahmani110@yahoo.com \*\*

\*\*\* Email: ghmaleki@ut.ac.ir

\*\*\*\* Email: gkakaie@rose.shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۹ تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۶

۱. فرامرز قراملکی، «جایگاه اخلاق در فلسفه برای کودک بر مبنای تحلیل فلسفه در گفت‌وگو حکمت متعالیه»، ص ۸.
2. Pierre Hadot
3. Hadot, *Philosophy As A Way of Life*, p 60.

# مبانی انسانشناسی

## از منظر صدر المتألهین شیرازی

علیرضا جوانمردی ادیب،\* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی  
نقیسه فیاض بخش، استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

### چکیده

چهره حقیقی زندگانی برای انسانی پدیدار میگردد که توانسته باشد در پاسخ به پرسش از «حکمت وجودی خویش» به معنایی دست یافته باشد که او را در مسیر رشد و تعالی قرار دهد. از دیدگاه حکمای اسلامی رابطه بین انسان و اله، رابطه رب و مربوبی است. در این رویکرد، اله، علاوه بر برنامه و هدفی که از خلقت موجودات داشته، دارای نقش تربیتی و هدایتی پس از خلقت نیز میباشد.

حکما، الگوهای تربیتی انسان را انسانهایی دانسته‌اند که توانسته‌اند به فضل الهی، کمال مورد انتظار نوع خود را متحقق ساخته و بعنوان انسان کامل عهده‌دار هدایت سایر انسانها بسوی صراط مستقیم شوند. در حکمت صدرایی براساس اصولی همچون اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری، همه موجودات در صراط تکوین - که با خلقت جهان پدیدار گشته - بسوی مسبب الاسباب در حال سیرند (عبادت تکوینی). در این میان، انسان بدلیل برخورداری از جایگاه ویژه در نظام هستی، دارای این توانایی است که در صراط تشریح نیز گام نهد و با الگو قرار دادن انسان کامل بوسیله بهره‌گیری از حکمت نظری و بکاربندی حکمت عملی به اوج کمال وجودی خویش که همان

عبودیت الهی (لقاء الله) است دست یابد (عبادت تشریحی). از منظر ملاصدرا لازمه رسیدن به چنین مرتبتی، حکمت و حریت است.

### کلیدواژگان

انسان      حکمت      اصالت وجود  
تشکیک      نفس      حرکت جوهری  
عقل نظری و عملی

### طرح مسئله

از جمله پرسشهای بنیادینی که برای اغلب انسانها در طی دوران حیاتشان مطرح میگردد، پرسش از چیستی و چرایی و جایگاه انسان در نظام هستی و نیز غایت حیات اوست؟

بیتردید پاسخ این قبیل پرسشها که همگی حول محور انسانشناسی مطرح میگردند، در تعیین نحوه ساختار فکری انسان نسبت به خود و جهان پیرامونیش نقش بسزایی دارند. همانگونه که یافتن پاسخ مناسب برای این قبیل پرسشها میتواند به زندگانی انسان، معنایی مثبت و سرشار از شور و شوق و امید ببخشد، پاسخ نامناسب نیز

(نویسنده مسئول) \*Email: Javanmardiadib@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۴

# بررسی قاعدهٔ امکان اشرف و نسبت آن با اصالت وجود

دکتر حسن سعیدی\*، دانشیار دانشکدهٔ الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی تهران  
امیر اوسطی\*\*، دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه خوارزمی تهران

## چکیده

قاعدهٔ امکان اشرف از قواعد مهم فلسفهٔ اشراق است. شیخ اشراق، اهتمام ویژه‌ی به این قاعده داشته است و در اکثر آثار خود بر این قاعده اقامهٔ استدلال کرده است. هدف اصلی ما در این نوشتار بررسی نسبت قاعدهٔ امکان اشرف با اصالت وجود است. بدین منظور، لازم است به این پرسشها پاسخ داده شود: آیا برهان مشهور این قاعده که در آثار سهروردی و پیروان او مطرح شده، بر اصالت ماهیت مبتنی است؟ موضع ملاصدرا بعنوان مؤسس فلسفهٔ اصالت وجودی، در قبال این قاعده و برهان آن چیست؟ آیا تاکنون تقریری از قاعدهٔ امکان اشرف با ابتناء بر اصالت وجود ارائه شده است؟ نقاط قوت و ضعف براهین و تقریرهای مختلف این قاعده چیست؟ از طرفی، اشکالاتی نیز بر این قاعده مطرح شده است که با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه قابل دفع میباشند. محقق دوانی، اشکالی بر قاعده مطرح نموده است که ملاصدرا بر اساس اصالت وجود و فروع آن، به اشکال پاسخ داده است. این پاسخ میتواند زمینه‌ساز تقریر دیگری از قاعده شود که در مقاله بدان پرداخته شده است.

## کلیدواژگان

مکان اشرف      امکان فقری      اصالت وجود  
اصل علیت      سهروردی

## ۱. مقدمه

قاعدهٔ امکان اشرف از مهمترین مؤلفه‌ها و قواعد فلسفهٔ اشراق است. سهروردی اهتمامی ویژه به این قاعده داشته است و در غالب آثار خود بر آن استدلال کرده و آن را پایه و اساس برخی آراء فلسفی خود قرار داده است. این قاعده، در حکمت متعالیه نیز مورد تأیید واقع شده و ملاصدرا در اسفار، اهمیت و کاربردهای بسیاری برای آن قائل شده است<sup>۱</sup>. بنابر نقل سهروردی، پیشینهٔ تاریخی این قاعده به دورهٔ یونان بازمی‌گردد و ارسطو در کتاب السماء و العالم به این قاعده اشاره کرده است<sup>۲</sup>. برای اثبات این قاعده در فلسفهٔ اسلامی براهینی چند با تقریرهای مختلف ارائه

\*.Email:h-saeidi@sbu.ac.ir

\*\* .Email:amir09356053694@gmail.com

(نویسندهٔ مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۱      تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۳۱

۱. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۷، ص ۳۲۰.

۲. سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۴۳۵.

# A Study of the Principle of Nobler Possibility and its Relationship with the Principiality of Existence

*Hasan Saeidi,<sup>1</sup> and Amir Osati<sup>2</sup>*

The principle of nobler possibility is one of the important principles of Illuminationist philosophy. Suhrawardi paid particular attention to this principle and sought to substantiate it in most of his works. The main purpose of this paper is to investigate the relationship between the principle of nobler possibility and the principiality of existence. Accordingly, the authors found it necessary to provide some answers to the following questions: Is the famous argument for the principle of nobler possibility which has been propounded in the works of Suhrawardi and his followers based on the principiality of quiddity? What is the standpoint of Mulla Sadra, as the founder of the philosophical principle of the principiality of existence, regarding the mentioned principle and the related argument? Has anyone ever presented an interpretation of the principle of nobler possibility based on the principiality of existence? What are the strengths and weak points of the interpretations of this principle and the related arguments? On the other hand, some objections have been advanced against this principle which can be removed based on the fundamental principles of the Transcendent Philosophy. For example, Muhaqqiq Dawani has referred to a problem regarding this principle which Mulla Sadra has resolved relying on the principiality of existence and the related principles. His response could provide the basis for a different interpretation of the principle of nobler possibility, which has been tackled in this paper.

## Key Terms

nobler possibility  
indigence possibility  
causality principle

Suhrawardi  
principiality of existence

- 
1. Associate Professor, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, h-saeidi@sbu.ac.ir
  2. PhD candidate of Transcendent Philosophy, Kharazmi University, Tehran, Iran (corresponding author), amir09356053694@gmail.com

# Fundamental Principles of Anthropology in Mulla Sadra

*Alireza Javanmardi Adib,<sup>1</sup> and Nafiseh Fayyazbakhsht<sup>2</sup>*

Life shows its true face to those human beings who, in search of a response to the question of “their own ontological philosophy”, come up with an answer which can lead them to the path of growth and transcendence. In the view of Islamic philosophers, the relationship between God and human beings is similar to that between a master and a servant. Accordingly, in addition to His program for and purpose of the creation of creatures, God has the responsibility of training and guiding them. Philosophers believe that, in the process of training human beings, desirable models are those who have succeeded to attain the expected perfection of their own species in the light of divine blessing and, as perfect human beings, have managed to bear the responsibility of guiding others to the right path. In Sadrian philosophy, based on some principles such as the principiality of existence, gradation of being, and the trans-substantial motion, all existents are moving towards the cause of all causes (genetic worship) on the path of creation, which has emerged in the process of the creation of the world. Here, because of their specific place in the order of being, human beings are capable of stepping on the path of religious law and, by modeling the perfect Man and through benefitting from theoretical wisdom and employing practical wisdom, reach the highest peak of their existential perfection, which is the same divine servitude (meeting the Lord) or religious worship. In Mulla Sadra’s view, the keys to attaining such a station are wisdom and love of freedom.

## Key Terms

human being  
principiality of existence  
trans-substantial motion  
theoretical intellect

wisdom  
gradation  
soul  
practical intellect

- 
1. PhD candidate of Islamic Philosophy and *Kalam*, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author), javanmardiadib@yahoo.com
  2. Associate Professor, Islamic Philosophy and *Kalam*, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

# Mulla Sadra's View of Philosophy\*

*Mansure Rahmani<sup>1</sup>, Ahad Faramarz Gharamaleki<sup>2</sup>, and Ghasem Kakaie<sup>3</sup>*

In the view of some philosophers, philosophy has been reduced to mental wayfaring and conceptual exchanges. In contrast, based on certain practical aspects, some other philosophers consider philosophy to be the same as ontological wayfaring. In Mulla Sadra's view, philosophy reflects the process of the perfection of the human soul in an essential and graded sense in the light of ontological wayfaring rather than in a quantitative or qualitative sense. He maintains that the end of philosophy is to become similar to God, and this similarity is realized through attaining all-inclusive knowledge and becoming separate from corporeal things. Assuming the sameness of philosophy and wayfaring results in pluralism in philosophizing, limitless philosophizing, separation of epistemological promotion from ontological promotion, methodological pluralism, and go togetherness of the purification of the soul and philosophy. Based on equating philosophy with wayfaring, Mulla Sadra tries to organize the structure of the Transcendent Philosophy based on the model of the four-fold journeys.

## Key Terms

Mulla Sadra  
philosophy  
assimilation to God

ontological wayfaring  
perfection of the soul  
gnostic four-fold journeys

---

\*This paper has been derived from the PhD dissertation of the first author.

1. PhD in Islamic Philosophy and *Kalam*, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author),  
ma.rahmani110@yahoo.com
2. Professor at the Islamic Philosophy and *Kalam* Department, University of Tehran, Tehran, Iran,  
ghmaleki@ut.ac.ir
3. Professor at the Islamic Philosophy and *Kalam* Department, Shiraz University, Shiraz, Iran,  
gkakaie@rose.shirazu.ac.ir

# Wisdom:

## The Lost Commodity of Contemporary Man

*Touba Kermani<sup>1</sup>, and Habib Karkon<sup>2</sup>*

Although the terms “philosophy” and “wisdom” are usually used interchangeably, this paper aims to demonstrate that in Islamic philosophy wisdom has a more elevated meaning than philosophy. Based on the definition of wisdom, it deals with concepts such as knowledge of God, assimilation to God, and perfection of the human soul. Thus wisdom bears a close relationship with the behavior of a sage (*hakim*) and is in conformity with his faith and act. As the life of Muslim sages testifies, unlike a philosopher in the common sense of the word, a *hakim*'s end is to change into a rational world.

Clearly, in the contemporary world, in which most schools of philosophy emphasize skepticism and relativism, one cannot speak of wisdom but can talk about various philosophies. Recent schools of philosophies, more than leading Man towards certainty, keep them far away from it and abandon them in an ocean of doubtful thoughts. Accordingly, wisdom is the lost commodity of all the human beings who seek for certainty.

### Key Terms

wisdom  
truth

philosophy  
relativism

- 
1. Professor at the Islamic Philosophy and *Kalam* Department, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author), kermani@ut.ac.ir
  2. PhD in philosophy of education, Lecturer at Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran, habib.karkon@yahoo.com

# Evidence on the Presence of the Principiality of Existence in Ibn Sina's Thoughts in the Viewpoint of the Transcendent Philosophy

*Mostafa Momeni\**

The principiality of existence is the basis of the Transcendent Philosophy. Mulla Sadra has demonstrated this principle based on solid arguments and used it as the foundation of his other philosophical principles. Although this issue was not raised in the time of Ibn Sina, one could ask if it could be traced in his words. Another related question here is whether any sound evidence demonstrating the existence of this principle could be found in Ibn Sina's thoughts so that there would remain no excuse for interpreting his philosophy based on the principiality of quiddity. This study is intended to provide a number of strong proofs in favor of the considerable influence of the principiality of existence on Sinan philosophy through resorting to the statements made by Mulla Sadra and Ibn Sina. In order to confirm his intended principiality of existence, Mulla Sadra refers to Ibn Sina's words. In fact, many of his views reveal his belief in the principiality of existence, and there are some direct references to this point in his works. Here, the author will try to present and explain the proofs testifying to the truth of this claim within the borderlines of the conducted study.

## Key Terms

Ibn Sina  
principiality of existence  
indigence possibility

Mulla Sadra  
making of existence  
quiddity

---

\*Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Neyshabur University of Medical Sciences, Neyshabur, Iran, esfad2003@yahoo.com



# A Study of Qunawi's Philosophical Gnosis\*

Gholamreza Hosseinpour\*

Sadr al-Din Qunawi's *Miftah al-ghayb*, as the first book on theoretical gnosis, provided the basis for theoretical or philosophical gnosis. This is because Ibn Arabi, who is known as the father of Islamic theoretical gnosis, did not have enough time for doing so, thus it was Qunawi who accomplished this task. Alongside the Peripatetic and Illuminationist schools of philosophy, Qunawi founded a school that can be called philosophical gnosis. In spite of his pessimistic view of theoretical intellect, Qunawi acknowledged that unveiling and gnostic taste agree with the theoretical intellect at all stages because they find no contradiction in the proofs of this kind of intellect. Nevertheless, he believes that the perception of such proofs is beyond the capabilities of human imagination. Qunawi tried to reconcile gnostics' principles of unveiling and philosophical theories. In developing many of his views, he benefitted from Ibn Sina's *al-Isharat* and, particularly, Khwajah Nasir al-Din Tusi's commentary on this book. As a result, one can equate the philosophical language used by Qunawi with that used in the Peripatetic philosophy, particularly with the language employed in Ibn Sina's *al-Isharat*, which plays a significant role in granting a philosophical nature to Qunawi's gnosis.

## Key Terms

Qunawi  
theoretical intellect  
philosophical gnosis

Fanari  
Peripatetic philosophy

---

\*This paper has been derived from the author's PhD dissertation entitled *Imam Khomeini's Sadrian Interpretation of Qunawi's Philosophical Gnosis Based on Imam Khomeini's Glosses on Miftah al-Ghayb and Misbah al-Uns*.

\*PhD in Islamic Gnosis, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran, reza\_hosseinpour@yahoo.com

# A Study of Suhrawardi's and Mulla Sadra's Interpretations of the Ontological Relationship between Quiddity and Existence in Ibn Sina's Philosophy

*Seyyed Mohammad Entezam\**

Since Farabi's time, the division of possible beings into quiddity and existence is considered to be the most important difference between them and the Necessary Being. Existence is neither identical with possible essence, nor one of its parts or effects. Accordingly, possible beings consist of essence and existence, which occurs to it. Farabi was the first to propose an idea of the combination of existence and quiddity; an idea which does not clearly discriminate between the subject and the object. Apparently, Ibn Sina expanded the same view; however, there are some traces in his philosophy which can pave the way for moving from external accident to analytic accident. Commentators of Ibn Sina have presented different interpretations of his idea of the ontological relationship between existence and quiddity, two of the most important of which are the ones supported by Suhrawardi and Mulla Sadra. In the interpretation favored by Suhrawardi, the relationship between existence and quiddity is similar to any other relationship between accidents and their subjects. However, in Mulla Sadra's interpretation, the essential difference between existence and other accidents is greatly emphasized. Here, the relationship between existence and quiddity has been promoted from "affirmation of something for something" to the "affirmation of a thing" and, as a result, Suhrawardi's objections to Ibn Sina are removed. In this paper, after presenting and demonstrating the presuppositions of Ibn Sina's theory, the author refers to and examines the above-mentioned two interpretations.

## Key Terms

existence

accident

ontological relationship

affirmation of something for something

quiddity

subject

affirmation of a thing

---

\*Associate Professor, Philosophy Department, Mofid University, Qom, Iran,  
entezammohammad66@gmail.com



*Abstracts*

## Instructions to Authors



- ❖ *Kheradname-ye Sadra Quarterly* only publishes articles in the fields of philosophy and rational sciences with a sound theoretical basis.
- ❖ The submitted articles must be based on research and present innovative views and ideas. They should be clearly and coherently written so that the contents are internally consistent and accessible to the readership. The submissions should closely follow the composition rules and principles in Persian.
- ❖ All articles should begin with an abstract no more than 10 lines and a maximum of 10 keywords. The abstract and the keywords should also be supplied in English.
- ❖ The title of the article, the name (s) of the author (s), the academic rank and position of the author (s), the affiliation of the author (s), and the contact information of the author (s) must be accurately given both in Persian and English on a different page at the beginning of the article.
- ❖ If the submission is based on a thesis, dissertation, or research project, authors are required to acknowledge it at the beginning of the article.
- ❖ Articles should be sent to the Journal's email address. Please write in the subject box "Related to *Kheradname-ye Sadra*".
- ❖ Authors are required to observe all notation and punctuation rules in Persian. They should also provide the original spelling of non-Persian names and highlight the quotations by using quotation marks or presenting the long ones in blocks.
- ❖ The submission of an article implies that it has not been published previously, and it is not being considered for publication elsewhere, either in the submitted form or in a modified version. The submission of an article does not mean that it will necessarily be published.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the copyright for the publication of the accepted articles in different forms in Persian and other languages.
- ❖ The submitted articles will not be returned to the authors. Contributors are advised to retain at least one copy for themselves.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the right to edit the submissions while being loyal to the original content.
- ❖ The authors are responsible for the content of their articles. The publication of articles in this Quarterly serves the purpose of exchanging ideas and thoughts, and in no way does it imply that the editorial board of *Kheradname-ye Sadra* necessarily agrees with the content of the accepted articles.
- ❖ Authors should give full bibliographical details of references and list them in alphabetical order of author, following the style of the examples given below. Page numbers for journal articles should be truncated where possible. No page ranges are required for books.
- ❖ All references to Mulla Sadra's works must be in conformity with the publication information of the books published by the Sadra Islamic Philosophy Research Institute.

### References

- ❖ Citations in *Kheradname-ye Sadra* should be given in the form of footnotes. Each citation must include the source title, the writer's name and family name, the volume number, the page number, and the date of publication.
- ❖ When reference is made to a previously cited book or article by the same author, use the word *Ibid* plus the page number. If the page number is also the same, use *Idem*.
- ❖ When referring to an article, it is necessary to include the title of the article and the title of the journal or edited collection in which it has been published.
- ❖ The original title of the reference and its publication information should be supplied when referring to non-Persian sources.
- ❖ The bibliographical data of each source should be given in the reference list following the rules given below:  
**Books:** Family name, name, *Title of the Book*, (in italics and bold letters, with content words capitalized), translator's name, place of publication, publisher, date of publication.  
**Journals:** Family name, name, "Title of the article", *Title of the Journal* (in italics and bold letters), volume number, issue, page number, date of publication.  
ex: A'awani, Gholamreza, "Why is Mulla Sadra Called Sadr al-Muti'allihin?", *Kheradname-ye Sadra*, 2/11: 24-32, 2005.  
**Edited Collections:** Family name, name, "Title of the article", *Title of the Book* (in italics and bold letters), name and family name of the editor, place of publication, publisher, date of publication.  
ex: Ibrahimi Dinani, Gholamhossein, "Mulla Sadra's Place in the Encyclopedia of Rational Sciences", in *Mulla Sadra's School and Western Philosophies*, edited under the supervision of Seyyed Mohammed Khamenei, Tehran, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, 2006.
- ❖ The same rules should be followed when listing non-Persian sources.



## Contents

### • Abstracts

A Study of Suhrawardi's and Mulla Sadra's Interpretations of the Ontological Relationship between Quiddity and Existence in Ibn Sina's Philosophy

*Seyyed Mohammad Entezam* .....4

A Study of Qunawi's Philosophical Gnosis

*Gholamreza Hosseinpour* .....5

Evidence on the Presence of the Principiality of Existence in Ibn Sina's Thoughts in the Viewpoint of the Transcendent Philosophy

*Mostafa Momeni* .....6

Wisdom: The Lost Commodity of Contemporary Man

*Touba Kermani, and Habib Karkon* .....7

Mulla Sadra's View of Philosophy

*Mansure Rahmani, Ahad Faramarz Gharamaleki, and Ghasem Kakaie* .....8

Fundamental Principles of Anthropology in Mulla Sadra

*Alireza Javanmardi Adib, and Nafiseh Fayyazbakhsh* .....9

A Study of the Principle of Nobler Possibility and its Relationship with the Principiality of Existence

*Hasan Saeidi, and Amir Osati* .....10

1. According to certificate Number 3/137085 issued on 23 September 2012 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *Kheradnameh-ye Sadra* has a Scientific-research degree.

2. *Kheradnameh-ye Sadra* is indexed in the following centers:

- Islamic World Science Citation Center (ISC)
- Philosopher's Index
- Magiran
- Noormags

﴿﴾ *He is the Wise, the Omniscient* ﴿﴾

## *Kheradname-ye Sadra*

Scientific-Research Quarterly of Islamic Philosophy

Volume 22, Number 4; Issue 88



License-holder:

**Sadra Islamic Philosophy Research Institute**

Director and Editor-in-chief:

**Prof. Seyyed Mohammed Khamenei**

### Editorial Board:

**Prof. Seyyed Mohammed Khamenei**

President of Sadra Islamic Philosophy Research Institute

**Prof. Gholamhossein Ibrahimi Dinani**

University of Tehran

**Prof. Ahmad Ahmadi**

University of Tehran

**Prof. Gholamreza A'awani**

Shahid Beheshti University

**Prof. Reza Dawari Ardakani**

University of Tehran

**Prof. Karim Mojtahedi**

University of Tehran

**Prof. Seyyed Mostafa Mohaqiq Damad**

Shahid Beheshti University

**Dr. Maghsoud Mohammadi**

Islamic Azad University, Karaj

### Persian Editor:

*Dr. Maghsoud Mohammadi*

### Administrative Manager:

*Jaleh Shamsollahi*

### English Translator:

*Dr. Roya Khoii*

### English Editor:

*Dr. Ali Naqi Baqershahi*

### Publisher:

Sadra Islamic Philosophy Research Institute

ISSN: 1560-0874

**Address:** Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

**P.O. Box:** 15875, 6919

**Telephone:** (+98 21) 88153210, 88153594

**Fax:** (+98 21) 88493803

**Email:** siprin@mullasadra.org

**Site:** mullasadra.org

**Kherad.mullasadra.org**